

# برگزیده ها

محمد قزوینی

(۱۲۵۶ - ۱۳۲۸ خورشیدی)

نسل جوان ایران امروز، اگر نام علامه محمد قزوینی دانشمند و محقق بزرگ ایرانی را شنیده باشد، به مناسبت مراجعه به دیوان حافظ است که در سال ۱۳۲۰ به همت وی و دکتر قاسم غنی در تهران به چاپ رسید و تا کنون بارها تجدید طبع شده است. در حالی که کارهای ماندگار قزوینی منحصر به این کتاب نیست. وی به راستی یگانه روزگار خود بود - و نه روزگار خود که یگانه و بیهمتا حتی تا چند قرن پیش نیز - قزوینی تحصیلات مقدماتی و علوم اسلامی را در تهران فرا گرفت. در سال ۱۲۸۳ به دعوت برادر خود به لندن سفر کرد و تا سال ۱۳۱۸ که به تهران بازگشت اوقات خود را به مطالعه و تحقیق و تصحیح متون در لندن و پاریس و برلن گذراند. او با آن که بیشتر عمر خود را در اروپا گذرانده بود، همسر اروپایی داشت، با زبانها و ادب اروپایی چنان که در این بخش ملاحظه می کنید، عمیقاً و استادانه آشنا بود، به تئاتر و سینما می رفت، و از موسیقی کلاسیک هم استفاده می کرد... هرگز ایران و فرهنگ ایران و زبان فارسی را به دست فراموشی نسپرد. از سوی دیگر قزوینی در حالی که عمر خود را صرف تحقیقات ادبی می کرد و سر و کارش با متون کهن

فارسی و عربی بود، از آنچه در ایران می گذشت نیز بیخبر نبود، چنان وقتی دهخدا به فرمان محمد علی شاه قاجار به فرنگ تبعید شد، قزوینی که در جریان حوادث دوران استبداد صغیر بود، دهخدا را در نشر مجدد روزنامه صور اسرافیل در اروپا مدد رسانید، و نیز هنگامی که جمال زاده جوان کتاب یکی بود و یکی نبود را نوشت که اسلوب نگارشش کاملاً بدیع بود و با سبک نوشته های قزوینی از زمین تا آسمان متفاوت بود، وی مقاله ای در مدح شیوه نگارش آن کتاب نوشت. ناگفته نماند که قزوینی در سالهایی که در اروپا به سر می برد محل مراجعه شرق شناسان و دانشمندان به نام اروپایی بود و اظهار نظرش درباره هر موضوع، حرف آخر بود، و اهل علم آن را به قول دکتر قاسم غنی، به عنوان «قال ارسطو» ی قرون وسطای اروپا بیان تلقی می کردند.

قزوینی با تصحیح انتقادی کتابهای چهارمقاله نظامی عروضی، مرزبان نامه، لسان الالباب، مجلدات سه گانه تاریخ جهانگشای عظاملک جوینی، شد الازار، تاریخ کرمان، و دیوان حافظ، بی تردید پیشاهنگ تصحیح انتقادی متون ادبی فارسی به شیوه علمی اروپایی در ایران است. فقط کتابهای او نیست که دقت نظر و حوصله او را در تحقیقات ادبی نشان می دهد. بیست مقاله قزوینی که در دو مجلد به چاپ رسیده و یادداشتهای قزوینی که در چندین مجلد به همت ایرج افشار در سالهای پیش در تهران طبع شده است، همه اعجاب آور است و گواه بر استادی او. مرحوم دکتر عبدالحسین زرین کوب در مقاله «در آستانه پنجاهمین سال خاموشی محمد قزوینی» به ذکر یک نمونه از وسواس علمی و دقت وی پرداخته و نوشته است: «بین خاتمه طبع مجلد دوم و پایان مجلد سوم کتاب [تاریخ جهانگشا] فترتی طولانی روی داد و به دنبال تحقیقی که در باب علت این فترت انجام شد، معلوم گشت که تردید در باب یک شعر عربی که در متن آمده بود و مأخذ آن مجهول مانده بود، قزوینی را به متوقف کردن کار و مروری جدی بر تمام متون عربی مورد اعتماد واداشته بود. این نکته حوصله فوق العاده او را در دنبال کردن مسائل و اجتناب کردن از اظهار حدسهای احتمالی نشان می دهد و این جمله درسهای عمده ای بود که وی به محققان عصر داد» (مجله بخارا، شماره ۶، خرداد و تیر ۱۳۷۸، ص ۱۰-۱۳).

در ایران، در سال پیش و سال جاری، مقاله ها و مجموعه مقاله هایی به مناسبت پنجاهمین سال درگذشت این دانشمند بی نظیر به چاپ رسیده است. ما نیز بخش «برگزیده ها» ی این شماره ایران شناسی را به محمد قزوینی اختصاص داده ایم و گوشه هایی از حوادث زندگی او را از نظر خوانندگان مجله می گذرانیم.